

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ اکتوبر ۲۰۲۲

نقش "دولت دینی" در ترویج ایده "جدائی دین از دولت"!

سه شنبه- ۰۳ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: یادداشت امروز را به نقش و سهم ناآگاهانه و غیر عمدی طالب و نظام ملاسالار در ترویج و گسترش ایده های سیکولاریستی به ویژه در قسمت "جدائی دین از دولت" اختصاص داده ام. ناگفته نماند که پی گیری این بحث، نتیجه مطالعه و کتابخوانی نیست بلکه می شود گفت برداشتی است که این قلم از صحبتی که بین چند تن از اهالی ولایت پکتیا صورت می گرفت.

امروز فرصت دست داد من هم بر مبنای روابط خویشاوندی در مجلسی با دیگران نشستیم که اکثر شرکت کنندگان مجلس از سیاست اقتصادی نظام ملاسالار شاکی بودند و می خواستند از یک طریقی شکایت شان را به گوش مقامات بالای طالب و نظام ملاسالار برسانند، اگر بنویسم نقش و سهم من در تمام جلسه جز ستمدهی درست بحث بین شان چیزی دیگری نبود و تمام آنچه را در ذیل می خوانید حاصل تجارب مستقیم خود آنها بود، مطمئناً برایتان دلچسب خواهد شد.

هرگاه از این بحث بگذریم که اکثریت باشندگان ولایت پکتیا از زمانه های خیلی دور بدین سو یعنی از آغاز حاکمیت خاندان نادر به بعد با مالیه و مالیه دهی چندان مناسباتی نداشتند و بیاینیم به آن بخش محدود از باشندگان آن ولایت که مالیه می دادند، می بینیم:

تنها بخش معدودی از باشندگان آن ولایت به خصوص آنهایی که در شهر های بزرگ آندیار از جمله مرکز آن ولایت گردیز، خوست و مراکز چند ولسوالی زندگانی می نمایند، سالانه یک مقدار پول زیر نام "مالیات برجایداد" که عمدتاً خانه، زمین، باغ و دکانهای آنها را شامل می شود به دولت می پرداختند. این نوع مالیه در تمام ولایات با تفاوت در تعیین قیمت ها و در برخی از ولایات "مالیه بر مواشی" مروج بود. در واقع این یگانه مالیه ای بود که در تمام ولایات، دولت از ساکنان تمام مناطق می ستاند.

باشندگان افغانستان باز هم در تمام ولایات یک نوع "مالیه دینی و مذهبی" نیز می پرداختند که دولت در آن مطلقاً هیچ دخالتی نداشت. یعنی در عمل بدون آن که مردم بدانند و یا دولت متوجه ماهیت خود باشد، از لحاظ اقتصادی و مالیاتی در افغانستان یک سیستم سیکولار که دین را از دولت جدا می کرد، حاکم بود. در آن سیستم وجوهاتی را که مردم بر مبنای اعتقادات دینی و مذهبی شان بود عمدتاً خوش به رضا و برای "پاک کردن" پول شان بدون جبر و زور دولت، به همان

اندازه که خود لازم می دانستند و گاهی هم بعد از چانه زدن با یک ملا می پرداختند و از این راضی بودند که با پرداختن وجوهات شرعی پول شان را "پاک" کرده اند.

اینک که طالب رویکار آمده و نظام دینی ملاسالار را به زور سرنیزه بر تمام افغانستان حاکم ساخته است، باشندگان تمام ولایات را وادار ساخته است تا به علاوه مالیه ای که قبلاً به دولت می دادند، زیر عنوان "عشر و زکات" مقداری از درآمد شان را نیز به طالب بپردازند. آنچه در این میانه می تواند ظلمی مضاعف به شمار آید اولاً گرفتن "عشر و زکات" از دهقان بی زمین و مزدور است که مجموع درآمد سالانه اش به مشکل خرج فامیش را تکافو می نماید و در ثانی تعیین مقدار و اندازه دلخواه گیرنده عشر از جانب طالب.

به صورت مثال تعیین عشر در پکتیا برای هر ۱۵ سیر جلغوزه یک سیر و برای بادام در ولایت دایکندی برای هر ده سیر یک سیر، آنهم بدون در نظر داشت میزان حاصلات و باروری، می تواند کمر زار عین و روستا نشینان را زیر بار این مالیه خم نماید.

برای من حضور در چنان مجلسی از این بابت آموزنده بود که می دیدم توده ها چگونه خودشان برای حفظ منافع و بقای شان، نمی توانند "دولت دینی" را تحمل کنند و ناگزیر اند برای رهائی شان از چنگال ظلم مضاعف به طرف "جدائی دین از دولت" حرکت نمایند. همچنین این نکته نیز آموزنده بود که ما به اصطلاح روشنفران و کتاب خوانها چگونه ناسنجیده می خواستیم حیوان را از دم قیزه زنیم. یعنی بدون آن که زمینه تطبیقی جدائی دین از دولت را در زندگانی اقتصادی روزمره مردم مشخص بسازیم عمدتاً با ادبیات قلمبه و سلمبه و آوردن چند نقل قول از بزرگان سیکولاریسم در اروپا، مسأله ای را تبلیغ می نمودیم که عملاً در جامعه حد اقل از لحاظ اقتصادی وجود داشت و ما می توانستیم بر مبنای آن توده ها را از افتادن به دام اخوانیت و اسلام سیاسی و غلتیدن به پرتگاه "دولت دینی" صیانت نمائیم.

هموطنان گرامی!

این که بزرگان گفته اند از توده ها بیاموزید و به آنها بیاموزانید دقیقاً چنین تجاربی را در نظر داشته اند. یعنی اینک طالب می خواهد بر مبنای "دولت دینی" از مردم به زور مالیات دینی و مذهبی شان را نیز دریافت دارد، بهترین زمان است که نیروهای مخالف طالب و به خصوص طرفداران جدائی دین از دولت، همین عامل اقتصادی را برجسته ساخته، مردم و جامعه را به طرف جدائی کامل شان از اسلام سیاسی و دولت های دینی سوق بدهیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!